

در نقد مجموعه واکنش‌ها به انتشار یک ویدئو **مرگ فرهنگ، تولد افراط!** در روزهای گذشته، ویدئویی در فضای مجازی دست به دست می‌شود که در آن، یک نفر که ظاهر او اودار استقلال است جملاتی را علیه پرسپولیس در کنار محمدحسین کنعانی‌زادگان به زبان می‌آورد و مدافع فرم‌ها هم با یک عبارت بسیار زشت، به او پاسخ می‌دهد.

همین ویدئوی کوتاه در روزهای گذشته، جارو جنجال‌های زیادی در فضای فوتبال ایران به راه انداخته است. این ماجرای ناراحت‌کننده، سه وجه دارد که هر سه آنها کاملاً قابل نقد به نظر می‌رسند. اول از همه، باید منتقد رفتار خود کنعانی‌زادگان بود. یک فوتبالیست ملی‌پوش که این همه سابقه ملی و باشگاهی دارد، چطور به خودش اجازه می‌دهد چنین عبارت زشت و ناپسندی را مقابل یک فرد دیگر به کار ببرد. یک فوتبالیست ملی چطور نمی‌داند که دوربین‌ها همه جادوگر حال شکارش هستند و ممکن است این عبارت‌ها، خیلی زود در فضایی به وسعت تمام ایران پخش شود. البته که حتی اگر دوربینی هم در کار نبود، باز هم این حرف‌ها ناخوشایند به نظر می‌رسیدند. طرف دوم ماجرا، باشگاه پرسپولیس است.

همه جای دنیا وقتی اتفاقی شبیه به این رخ می‌دهد، باشگاه به سرعت دست به کار می‌شود و با بازیکن خاطی‌اش برخورد می‌کند. آن بازیکن در واقع، نماینده باشگاه است و با این صحبت‌ها در درجه اول، چهره باشگاه را مخدوش می‌کند. طرف سوم ماجرا هم، افرادی هستند که سریعاً با ژست «شکایت» وارد ماجرا می‌شود. تصور کنید مدیرعامل باشگاه استقلال با وجود همه مشکلات ریز و درشت باشگاه و در شرایطی که کادرفنی را به شدت علیه خودش ناراضی کرده، همه مسائل دیگر را کنار گذاشته و علیه کنعانی‌زادگان شکایت کرده است. آقای مدیر اگر می‌خواهد نشان بدهد که استقلال برایش واقعا مهم است، باید راه و روش دیگری را انتخاب کند.



شکایت علیه بازیکن رقیب، هیچ مشکلی را از استقلال حل نخواهد کرد. این اتفاق تنها موجب می‌شود که حرف، برای بردن جام‌های بعدی مصمم‌تر شود. درست همان طوری که مساله عیسی آل‌کثیر هم، قرمزها را برای موفقیت‌های بعدی حریص‌تر کرد و اصلاً به نفع رقبای تمام نشد. پر واضح است که فوتبال ایران، اساساً درگیر یک باتلاق بی‌فرهنگی شده و هر چقدر که دست و پا می‌زنیم، بیشتر در آن فرو می‌رویم. اروپایی‌ها، یاد گرفته‌اند که چطور از فوتبال لذت ببرند. ما هم یاد گرفته‌ایم که چطور فوتبال را به کام هم تلخ کنیم.

بازیکنی که حتی ساده‌ترین اصول حرفه‌ای گری و بدیهی‌ترین چیزها را در مورد ادبیات برخورد با هواداران تیم رقیب نمی‌داند، مدیران و هوادارانی که به جای برخورد جدی با آن بازیکن، همچنان برایش هورا می‌کشند و از این اشتباه مهلک و فاجعه‌بار دفاع می‌کنند و البته رقبایی که به جای پرداختن به مسائل خودشان، همچنان سرگرم شکایت و شکایت‌کشی هستند، در قدرت گرفتن افراط به جای فرهنگ، سهم مهمی دارند. فضای این فوتبال دیگر آنقدر مسموم شده که همه از یاد برده‌اند هدف این رشته ورزشی در درجه اول چه چیزی بوده است. فوتبال در ایران، همه‌را از هم دور کرده و این روند، هر روز شکل نگران‌کننده‌تری به خودش می‌گیرد.

ششمین دوئل با چشم بادامی‌ها در مسیر جام جهانی

هم مسیر شرقی!



بعد، کره جنوبی دیگر در این مرحله موفق به گرفتن همه امتیازهای یک مسابقه از تیم ملی نشده است.

مقدماتی ۱۹۷۸

اولین تجربه برخورد جدی ایران و کره جنوبی در مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ اتفاق افتاد. در آن دور از رقابت‌های مقدماتی ۲۱ تیم باهم رقابت کردند تا در نهایت تنها یک تیم به صورت مستقیم خودش را به جام جهانی برساند. در دور نهایی این رقابت‌ها یک گروه پنج تیمی تشکیل شد و ایران در کنار کره جنوبی، کویت، استرالیا و هنگ‌کنگ قرار گرفت. هر دو مسابقه ایران و کره جنوبی

دور نهایی به هم برخورد کردند. این تیم در مسابقه اول بدون گل مساوی شدند و جدال برگشت هم با تساوی دو-دو تمام شد. در نهایت این تیم ملی ایران بود که با ۱۴ امتیاز به عنوان صدرنشین خودش را به جام جهانی رساند و کره جنوبی با ۱۰ امتیاز در رده دوم جدول گروه قرار گرفت. در حقیقت اولین صعود تاریخ ایران به جام‌های جهانی پس از همگروهی با کره جنوبی اتفاق افتاد. البته که ایران در دور مقدماتی موفق به شکست دادن این حریف نشد.

مقدماتی ۱۹۹۴

در مرحله مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۴، ایران و کره جنوبی دوباره در

دور نهایی به هم برخورد کردند. این تیم در مسابقه اول بدون گل مساوی شدند و جدال برگشت هم با تساوی دو-دو تمام شد. در نهایت این تیم ملی ایران بود که با ۱۴ امتیاز به عنوان صدرنشین خودش را به جام جهانی رساند و کره جنوبی با ۱۰ امتیاز در رده دوم جدول گروه قرار گرفت. در حقیقت اولین صعود تاریخ ایران به جام‌های جهانی پس از همگروهی با کره جنوبی اتفاق افتاد. البته که ایران در دور مقدماتی موفق به شکست دادن این حریف نشد.

مقدماتی ۲۰۱۰

خاطره روبه‌رو شدن در مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ اصلاً برای فوتبال

ندارند. این نسل برای چند سال به مربی متوسطی مثل مارک ویلموتس سپرده شد و فدراسیون فوتبال بلژیک برای ادامه مسیر به سراغ روبرت تو مار تینز رفت. البته که مار تینز مربی بدی نیست اما برای تیمی که این همه ستاره در اختیار دارد، گزینه‌ای کافی و کامل به شمار نمی‌رود. پیش از این، باشگاه «پورتون» مهم‌ترین تیمی بوده که توسط این مربی اداره شده است. البته که مجموع «نتایج» این مربی با تیم ملی بلژیک به اعداد و ارقام جالبی می‌رسد اما بردن دیدارهای دوستانه یا مقدماتی با تیمی که این همه اسم بزرگ در اختیار دارد، کار چندان مهمی به شمار نمی‌رود. نتایج وقتی مهم هستند که بلژیک بتواند خودش را در یک تورنمنت مهم ملی نشان بدهد. موضوع در دسر ساز دیگر برای بلژیکی‌ها، متعادل نبودن فاز هجومی یا فاز تدافعی تیم است. یان فر تونگن، توماس فرمانلن و توبی آلدر وایرلد همگی در دوران اوج‌شان مدافعان فوق‌العاده‌ای بوده‌اند اما خیلی وقت است که این دوران را پشت سر گذاشته‌اند و فوتبال بلژیک، نتوانسته استعدادهای تازه‌ای را برای جانشینی آنها کشف کند. این تیم در خط دفاعی اصلاً فوق‌العاده نیست و این مساله، در جدال‌های حساس و نزدیک به آنها لطمه می‌زند. بدون تردید اگر آنها یک مربی بزرگ مثل روبرتو مانچینی و چند مدافع درخشان مثل بونوچی و کیه‌لینی داشتند،

صفر روبه‌روی آرژانتین، در دور یک چهارم نهایی از مسابقات حذف شد. دو سال بعد، آنها باز هم عملکرد نسبتاً خوبی در مراحل اولیه یک تورنمنت ملی داشتند اما یک چهارم نهایی، پایان کارشان در یورو ۲۰۱۶ بود و باز هم نتوانستند خودشان را از این مرحله عبور بدهند. شیاطین سرخ فوتبال اروپا به عنوان یک تیم کاملاً مدعی قهرمانی راهی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه شدند. آنها باز هم هر سه مسابقه دور گروهی را بردند تا بالاتر از انگلیس، تونس و پاناما در صدر جدول گروه قرار بگیرند. این تیم در یک هشتم نهایی در یک مسابقه سخت و نزدیک با یک کام‌بک فراموش‌نشده، تیم ملی ژاپن را با نتیجه سه بر دو شکست داد. طلسم یک چهارم نهایی این بار دیگر اثر نکرد و بلژیک بالاخره از این مرحله هم رد شد. آنها برای رسیدن به نیمه‌نهایی جام جهانی، برزیل را شکست دادند. با این حال در نیمه‌نهایی مغلوب فرانسه شدند و باز هم دست‌شان به مسابقه فینال نرسید. حالا پس از دو سال، این تیم دوباره در یک چهارم نهایی یک تورنمنت ملی شکست خورده است.

مشکل بزرگ تیم ملی بلژیک و دلیل ناکامی‌های ادامه‌دار این تیم را می‌توان در دو موضوع خلاصه کرد. اول از همه اینکه آنها معمولاً به سراغ مربیان بزرگ و درجه یک نمی‌روند و انتخاب خوبی برای نیمکت تیم‌شان

ایران خوشایند نیست. تیم ملی در آن مسابقات، عملکرد خوبی نداشت و در نهایت هم جواز صعود به رقابت‌های جام جهانی را به دست نیاورد. در مسابقه رفت با کره جنوبی، ایران با تنها گل جواد نکونام از حریف پیش بود اما پارک جی سونگ، مسابقه را به تساوی کشاند تا دو امتیاز حساس برای تیم ملی از دست برود. در جدال برگشت هم تیم ملی این بار با گل مسعود شجاعی از کره جنوبی جلو بود اما باز هم پارک گل تساوی را به ثمر رساند. اگر تیم ملی موفق به پیروزی در دیدار برگشت می‌شد، حداقل حضورش در پلی‌آف اقطعی می‌کرد اما این اتفاق رخ نداد و تیم ملی جایی در بین تیم‌های حاضر در جام جهانی آفریقای جنوبی به دست نیاورد.

مقدماتی ۲۰۱۴

اوج تنش‌ها بین ایران و کره جنوبی، در این مقدماتی شکل گرفت. تیم ملی کره برای برگزاری مسابقه رفت، به ایران سفر کرد و با وجود ۱۰ نفره شدن تیم ملی، با گل حساس جواد نکونام روبه‌روی تیم کی‌روش شکست خورد. پس از همین مسابقه بود که سرمربی کره، صحبت‌های زشتی علیه میزبانی ایران به زبان آورد و کارلوس کی‌روش، از این موضوع برای انگیزه دادن به شاگردانش بهره برد. حتماً آن «مشت معروف» کی‌روش بعد از سرد کره در دیدار برگشت را یادتان هست. ما برای صعود به جام جهانی برزیل، باید در خاک کره جنوبی به برتری می‌رسیدیم و این اتفاق بزرگ با گل تاریخ و فراموش‌نشده رضا کوچان‌نژاد رقم خورد. این بهترین عملکرد تیم ملی در مراحل انتخابی

حتماً آن «مشت معروف» کی‌روش بعد از برد کره در دیدار برگشت را یادتان هست. ما برای صعود به جام جهانی برزیل، باید در خاک کره جنوبی به برتری می‌رسیدیم و این اتفاق بزرگ با گل تاریخ و فراموش‌نشده رضا کوچان‌نژاد رقم خورد

جام جهانی روبه‌روی کره‌ای‌ها به شمار می‌رفت. جایی که توانستیم ۶ امتیاز کامل در دو مسابقه از این حریف بگیریم.

مقدماتی ۲۰۱۸

برای سومین بار متوالی، ایران و کره در انتخابی جام جهانی با هم روبه‌رو شدند. این بار هم ایران میزبان مسابقه رفت بود و با تنها گل سردار آزمون حریفش را شکست داد. تیم کی‌روش در این جدال کاملاً برتر از رقیب ظاهر شد و اجازه نفس کشیدن به ستاره‌هایی مثل سون هیونگ مین نداد. قبل از مسابقه برگشت، صعود ایران به مرحله بعدی قطعی شده بود. با این وجود ستاره‌های تیم ملی اصلاً مسابقه را شل نگرفتند و بازی در نهایت با نتیجه تساوی به پایان رسید. از آخرین بار که تیم ملی کره جنوبی در یک رقابت انتخابی جام جهانی تیم ملی ایران را شکست داده، حالا چیزی حدود ۲۵ سال سپری شده است. این یک وزنه بزرگ روحی برای تیم ملی، قبل از رویارویی دوباره با این حریف کاملاً آشنا خواهد بود.

هیچ تیمی در اروپا حریف‌شان نمی‌شد. فعلاً اما اوضاع این تیم، چندان درخشان نیست و آنها به اندازه بردن یک جام بزرگ، خوب و آماده به نظر نمی‌رسند. این تیم بلژیک، خیلی از مختصات یک «نسل طلایی» را دارد اما نسل‌هایی در تاریخ ماندگار می‌شوند که بردن «جام‌های طلایی» را هم بلد باشند. برای نامیدی از شیاطین سرخ فوتبال اروپا اما هنوز کمی زود به نظر می‌رسد. آنها همچنان می‌توانند بسا چند تغییر در ترکیب‌شان، یک تیم مدعی برای بردن جام جهانی باشند. جسورانه‌ترین راه برای بلژیک، در درجه اول انتخاب یک مربی جدید است. چرا که بعید به نظر می‌رسد چهره‌ای مثل مار تینز، موفقیت‌چندانی در آینده هم برای این کشور به دست بیاورد. پس از این اتفاق، آنها باید به ترکیب دفاعی‌شان هم سر و سامان بدهند و در زمان باقی مانده تا شروع جام جهانی، گزینه‌های تازه‌نفس‌تری را در این بخش از زمین تست کنند. شاید تا پاییز بعدی که زمان برگزاری جام جهانی است، ادن هازارد هم دوباره بتواند کیفیت گذشته‌اش را به دست بیاورد و از این فرم ناامیدکننده فاصله بگیرد. آن وقت می‌توان انتظار داشت که فوتبال بلژیک هم کمی متحول شود و بالاخره به طرف بردن یک جام مهم ملی حرکت کند. اتفاقی که حالا به یک حسرت بزرگ برای مردم این کشور تبدیل شده است.



بعد از مرگ سهراب است. فدراسیون اگر در زمان مناسب به درمان مصدومیت ورزشکار خود اهمیت می‌داد و راه‌های توجیهی را در پیش نمی‌گرفت، این سهمیه غیرمنتظره به راحتی از دست نمی‌رفت. با این حال به نظر می‌رسد این سهمیه تاریخی قرار است بدون تاریخ‌سازی حضور در المپیک باقی بماند.

سطح المپیک آماده‌ش کند. با این حال فدراسیون وزنه‌برداری که به نظر می‌رسد هیچ اطلاعاتی هم از شرایط این وزنه‌بردار هم نداشته، اعلام کرده است که تیم پزشکی در باره حضور یا عدم حضور جهانفکریان در المپیک تصمیم می‌گیرند. این اعلام فدراسیون حکایت مثل معروف نوشدارو

راهی المپیک شود. اما زمانی که اردوی تیم ملی برای حضور در قهرمانی آسیا برگزار شد، نام جهانفکریان در لیست دعوت‌شده‌ها نبود و گفته شد که او به دلیل مصدومیت در تمرینات تیم ملی حضور ندارد. موضوعی که البته با تکذیب جهانفکریان روبه‌رو شد و او فدراسیون را مقصر از دست رفتن سهمیه‌اش می‌دانست. او حتی در صفحه شخصی‌اش نیز گلابه‌های خود را مطرح کرد که همین موضوع باعث تشکیل کمیته انضباطی برایش شد. شاید اگر فدراسیون به جای فرخواندن ورزشکار خود به کمیته انضباطی تمرکز بیشتری روی کسب سهمیه داشت، حالا تنها صحبت از حضور تاریخی این دختر وزنه‌بردار در المپیک مطرح بود. جهانفکریان با وجود مصدومیت می‌توانست در المپیک شرکت کند اما حالا که جراحی کرده، اوضاع را حسایی برای او سخت و پیچیده می‌کند. چرا که در فرصت کم‌تر از ۲۰ روزی که تا آغاز مسابقات المپیک مانده، او نمی‌تواند دوره نقاهت را سپری کند و نه تمریناتی داشته باشد که برای رقابت در

سهمیه تاریخی بدون تاریخ‌سازی!؟

در رنکینگ بالاتر از جهانفکریان هستند سهمیه المپیک را گرفته‌اند و با خروج وزنه‌بردار ساموا یک سهمیه باقیمانده این وزن به جهانفکریان رسید. بعد از اعلام این خبر اما جهانفکریان اعلام کرد که نمی‌دانسته‌شانسی برای المپیک شدن دارد و از آنجایی که دست مصدومش را به تازگی جراحی کرده، نمی‌تواند در این مسابقات شرکت کند. تمام این اتفاقات در حالی رقم خورد که جهانفکریان این شانس را داشت که بتواند سهمیه این مسابقات را شخصاً به دست بیاورد اما این سهمیه با سهل‌انگاری فدراسیون از دست رفت و ادامه بی‌توجهی‌ها باعث شد شانس دوباره المپیک شدن وزنه‌بردار بانوان ایران بدون استفاده باقی بماند. جهانفکریان می‌توانست با حضور در قهرمانی آسیای از یکستان و کسب امتیاز لازم، به عنوان بهترین وزنه‌بردار قاره آسیا

اتفاق روز

به دنبال المپیک شدن دختر وزنه‌بردار ایران

کسب سهمیه المپیک آن هم به صورت غیرمنتظره اتفاقی است که روز گذشته برای وزنه‌بردار بانوان ایران رقم خورد. اتفاقی باعث می‌شد نخستین حضور دختران وزنه‌بردار ایران توسط پرسا جهانفکریان در مسابقات المپیک رقم بخورد اما فاصله شادمانی از کسب این سهمیه تا عدم حضور نماینده ایران در توکیو بسیار کوتاه بود. ماجرا از این قرار است که بعد از اینکه دولت کشور ساموا تصمیم گرفت به دلیل نگرانی بابت کرونا تنها ورزشکارانی که خارج از ساموئل زندگی می‌کنند را اعزام توکیو کند، کمیته ملی المپیک این کشور تایید کرد که سه وزنه‌بردارشان به المپیک نخواهند رفت. یکی از این وزنه‌بردارها در دسته فوق‌سنگین زنان بود که خروج او از لیست بازی‌ها باعث می‌شود که سهمیه به نماینده ایران برسد. چرا که تمام نفراتی که